مروری بریک قرن مبارزه و سرکوب درایران!

حسن جداری

 تاریخ سیاسی یک قرن گذشته در ایران، از کودتای سوم اسفند سال1299، آغاز می گردد. د ر این نوشته کوتاه، بر تاریخ مبارزات خونین خلق های ایران در یک قرن گذشته و سرکوب و بیداد گری های دشمنان آزادی که خیزش ها و عصیا ن های توده های زحمتکش به دنبال داشته، نگاهی می افکنیم . تداوم حرکت های آزادی خواهانه در ایران در طول صد سال گذشته به روشنی نشان می دهد که کارگران و زحمتکشان این سرزمین، هرگز دست از مبارزه در راه رهائی خود بر نداشته و ازستمگران کینه توز خارجی و داخلی، هراسی به دل، راه نداده اند. +++++

دولت استعماری انگلیس که از تحمبل قرار داد اسارت بار سال 1919 میلادی به مردم ایران سودی نبرده بود، برای پیشبرد مقاصد آزمندانه خود ازدر دیگر وارد شده، با توسل به کودتائی امپریالیستی در صدد تحکیم هرچه بیشتر مواضع اقتصادی و سیاسی خود در کشور پهناوری در همسایگی هندوستان برآمد. در آن زمان،هندوستان مهم ترین مستعمره انگلستان، محسوب می گردید. کودتای سوم اسفند سال 1299 شمسی به سرکردگی سید ضیاء طباطبائی و رضا خان میر پنج، تمهیدی امپریالیستی جهت انقیاد کامل ایران توسط دولت استعماری بریتانیا بود. با مبادرت به کودتا، امپریالیسم انگلیس این هدف سلطه گرانه را پیش می برد که شکستی را که در ماجرای تحمیل قرارداد سال 1919 متحمل شده بود، جبران کرده و رژیمی دست نشانده درایران بر سرکاربیاورد. سید ضیا الدین طباطبائی که درهمراهی با رضا خان سرکرده قشون قزاق در راس کودتای سوم اسفند قرارداشت ، مدیر روزنامه " رعد " و از نوکران جیره بگیر انگلستان بود که ماه به ماه از این دولت استعمارگر، مواجب دریافت می داشت. با نگاهی اجمالی به تاریخ ایران در اواخر دوران قاجاریه، اقدام انگلستان درطرح و اجرای کودتای سوم اسفند، بیشتر روشن می گردد. مظفرالدین شاه، پنجمین شاه از دودمان قاجار، در سال 1285 شمسی ( 1906 میلادی) در بستر بیماری، چند ماه قبل از وفاتش مجبور به امضای فرمان مشروطیت گردید. فرزند وی محمد علی میرزا که فساد اخلاق و زشت کاری هایش در تبریز در زمان ولیعهدی زبانزد خاص وعام بود، پس ازدر گذشت پدر به مقام سلطنت رسید. این عنصر مستبد، از همان ابتدای سلطنت، عناد جویانه به مخالفت با مشروطیت بر خاسته و توسط قزاق های روسی به سرکردگی لیاخوف، مجلس شورای ملی را به توپ بست . اقدامات سرکوبگرانه محمد علی شاه و قتل و حبس مشروطه خواهان بنام، از آن جمله میرزا جهانگیر خان، مدیر نشریه "صور اسرافیل" و ملک المتکلمین به دست این دشمن بی امان آزادی، سبب شد که ترس و وحشت بر کشور مستولی گردیده و بسیاری از مشروطه خواهان به گوشه ای خزیده و سکوت و خاموشی، اختیار کنند .

 +++++

اما این بی تفاوتی در برخورد با قلدرمنشی های شاه خودکامه، دیری نپائید . تبریز که در آن زمان دومین شهر ایران محسوب میشد، علیه استبداد محمدعلی شاهی به پا خاسته و پرچم مبارزه با ارتجاع هارمرکز نشین را بر افراشت . در راس مبارزات مسلحانه اهالی تبریز، آزادیخواهانی همچون ستارخان ، باقر خان، علی مسیو و حیدر عمواوغلی قرار داشتند. تبریز به پاخاسته، یازده ماه تمام در مقابل قشون های استبداد که یکی پس از دیگری به این سنگر ازادی گسیل می شدند، مقاومت کرد . "مرکز غیبی"، سازمانی کمونیستی که در راس آن انقلابیونی نظیر علی مسیو و حیدرعمواوغلی قرار داشتند، به شایسته ترین وجهی مبارزات رهائی بخش توده های زحمتکش را رهبری می کرد. پس از یازده ماه پیکار قهرمانانه، در حالی که میدان های جنگ با خون صدها تن از فدائیان از جان گذشته رنگین گردیده بود، محمد علی شاه و سرکردگان خون آشام استبداد، در مصاف با فدائیان مسلح تبریز، شکست بس مذبوحانه ای را متحمل شدند. صابر میرزا (1911 – 1868) در یکی از اشعار طنز آمیز زیبایش، فراریکی از سرداران پر مدعای محمد علی شاه را از میدان جنگ با ستار خان و دیگر فدائی ها، ترسیم کرده است. پیروزی های درخشان نیروهای انقلابی در تبریز، روسیه تزاری را که با تمام نیرو از محمد علی شاه مستبد حمایت میکرد، سخت هراسان ساخته و آن دولت تجاوزگر را به چاره اندیشی وا داشت. تبریز مبارز که با مقاومت دلیرانه خود تحسین جهانیان و انقلابیونی نظیرلنین را متوجه خود ساخته بود، خستگی پیکار خونین را از تن بیرون نیاورده بود که در معرض تاخت و تاز قشون های مهاجم روس ، قرار گرفت. روسیه تزاری ، مظهرضد انقلاب درآسیا و اروپا، با اعزام هزاران تن ازقشون های خود به تبریز، یه سرکوب وحشیانه مبارزات مردم این شهرمقاوم پرداخت. روس های اشغالگر در کشتار و آزار مبارزین از جان گذشته تبریز به انواع وحشیگری ها دست یازیده واز هیچ بربریتی خودداری نه میکردند. دومین شهری که بی باکانه در دفاع از مشروطه و هم صدائی با آزادی خواهان تبریز، پرچم مبارزه را علیه شاه مستبد قاجار بر افراشت ، همانا رشت بود. به تاسی از تبریز و رشت، در شهرهای دیگر ایران نیز ، مشروطه خواهان علیه شاه خودکامه به پا خاسته و همبستگی خود را با مبارزین این دو سنگر آزادی، اعلام داشتند.

 +++++

در شرایطی که تبریز در زیر لگدهای ارتش مهاجم بیگانه، بدترین آزارها را متحمل می شد، تهران توسط نیروهای مشروطه خواه فتح گردیده و محمد علی شاه از ترس جان خود، به سفارت روس در زرگنده، پناهنده شد. شکست استبداد شاه قاجار و فتح تهران گرچه منجر به برچیده شدن بساط استبداد محمد علی شاه خودکامه گردید ، اما بودن خان ها و فئودال ها و دست نشاندگان انگلستان در راس نیروهائی که در فتح تهران دست داشتند، در واقع امر، یه مثابه شکست قطعی انقلاب مشروطه بود که در راه آن، خون بسیاری از آزادیخواهان به زمین ریخته شده بود. میرزاده عشقی، شاعرانقلابی و خوش ذوق که در جوانی در سال 1303، توسط عمال رضا خان سردار سپه در خانه اش ترور شد، در شعر با شکوه "ایده آل مریم،" این شکست دردناک انقلاب مشروطه را به شیوا ترین وجهی، بیان کرده است. پس از فتح تهران، همان الدوله ها و السلطنه های دوران استبداد در راس قدرت قرار گرفته و در لباس مشروطه طلب و آزادیخواه به سرکوب انقلاب و مبارزین واقعی پرداختند. از نخستین اقدامات ضد انقلابی دولت "مشروطه"، حمله به باغ اتابک در تهران به منظور خلع سلاح مجاهدین انقلاب مشروطیت بود . در هجوم به باغ اتابک بود که تیری به پای ستارخان، سردار ملی اصابت کرد و این گرد آزادی را که آن چنان بی باکانانه در راه مشروطه و علیه استبداد پیکار کرده بود، زخمی و زمینگیرساخت

 +++++

وقتی در تابستان سال 1914 میلادی جنگ حهانی اول آغاز شد، قشون های دول متخاصم، بخش هائی از خاک ایران را اشغال کرده و اوضاع آشفته و بحرانی کشور را آشفته تر ساختند. گرچه دولت ایران درآغاز جنگ اعلام بی طرفی کرده بود، درجریان جنگ، خاک این کشور از جانب شمال وغرب توسط سپاهیان روس ، انگلیس و ترکیه عثمانی اشغال گردیده و به میدان نبردهای خونین، مبدل شد.دراین جنگ خانمانسوز بینا امپریالیستی که تا اواخر سال 1918، دوام داشت، ترکیه عثمانی متحد آلمان بود و انگلیس و فرانسه و روسیه تزاری در روبروئی با آلمان، در کنار هم قرار داشتند.از سال ها پیش ازآغاز جنگ جهانی اول، روسیه تزاری و انگلستان که بر سر تسلط بر ایران و غارت هستی ساکنین ستمدیده این کشور مدام با هم رقابت وهم چشمی داشتند، با انعقاد قرار داد سال1907، اختلافات خود را کنار گذاشته و در مقابله با امپریالیسم آلمان که از لحاظ اقتصادی و سیاسی از رشد روز افزونی برخوردار بود، پیمان مودت و همکاری بستند. پس از انعقاد این پیمان دوستی بود که امپریالیسم انگلیس که در آغاز انقلاب مشروطه در رقابت با روسیه تزاری، خود را هوادار این حرکت آزادیخواهانه مردم ایران قلمداد می کرد، به دوست و متحد روسیه در سرکوب جنبش آزادیخواهانه توده های به پاخاسته این کشور مبدل شد. در خلال جنگ جهانی، در مقابله با دولت مرکزی طرفدار روسیه و انگلستان، دولتی در تبعید در غرب کشور به وجود آمد. این دولت خلق الساعه که در راس آن نظام السلطنه مافی و برخی دیگر از رجال متعلق به هیات حاکمه قرار داشتند، آشکارا از مقاصد جنگی آلمان و ترکیه عثمانی، دفاع می کرد. تعدادی از روشنفکران و آزادیخواهان کشور نیز که دول انگلیس و روسیه تزاری را مسبب همه سیاه روزیها در ایران می دانستند، در جبهه های نبرد ، در کنار قشون های ترکیه عثمانی و آلمان، با لشکربان روس و انگلیس در حال جنگ و گریز بودند. دربحبوحه جنگ جهانی اول، در ماه فوریه سال 1917، انقلابی دموکراتیک در روسیه به وقوع پیوست و زحمتکشان روس ، حکومت خود کامه تزارها را که به مدت سه قرن در این کشوردراریکه قدرت بود، سرنگون ساختند.

 +++++

در فردای پیروزی انقلاب توده ها و برچیده شدن بساط نیکولای دوم امپراطور روس، دو دولت متمایزدر روسیه ایجاد شدند . یکی دولت طرفدار بقای سرمایه داری توسط نمایندگان مجلس دوما و دیگری دولت شورای کارگران و سربازان که در آن، احزاب و سازمان های سیاسی مختلف و از آن جمله بلشویک ها، منشویک ها و سوسیال رولوسیونرها، شرکت داشتند. درابتدا، بلشویک ها به رهبری ولادیمیر لنین( 1924-1870) در شوراهای کارگران و سربازان در اقلیت بودند. منشویک ها و سوسیال رولوسیونر ها که در شوراها اکثریت داشتند، سیاست های سازشکارانه ای دنبال کرده وبا تایید دولت موقت بورژوازی و همکاری با آن ، ماهیت ضد انقلابی خود را به روشن ترین وجهی، به نمایش گذاشتند. درطول 8 ماه فاصله بین انقلاب دموکراتیک فوریه و انقلاب سوسیالیستی اکتبر، بلشویک ها با اتخاذ مواضع پیگیر انقلابی، افشای ماهیت ارتجاعی دو لت موقت و برملا ساختن خیانت احزاب سازشکارمنشویک و سوسیال رولوسیونر که در دولت موقت با بورژوازی شرکت کرده و طرفدار ادامه جنگ امپریالیستی بودند، به حزب اکثریت در شوراهای کارگران و دهقانان، مبدل شدند . تحت رهبری بلشویک ها در 25 اکتبر سال 1917، کارگران و تهی دستان شهرو ده، دولت بورژوازی را سرنگون ساخته و بدین ترتیب دگرگونی سیاسی عظیمی در یکی از کشور های مهم جهان آن روز؛ به وجود آوردند. دولت سوسیالیستی که تحت رهبری لنین در فردای سقوط دولت موقت، درروسیه ایجاد گردید، در زمینه سیاست خارجی کلیه قرارداد های استعماری منعقده بین روسیه تزاری و کشورهای اسیر و در بند را ملغی اعلام کرده و خواهان برقراری روابط حسنه با ایران و دیگرکشور های همسایه گردید.

 +++++

 در ایران، پیروزی بلشویک ها در روسیه، مورد استقبال نیروهای سیاسی ترقی خواه قرار گرفته و الهام بخش آزادیخواهان و شعرا در پیشبرد مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی شد. برای نمونه می توان به ستایش از لنین در شعر "سه تابلو مریم" عشقی و اشعار معجز شبستری و ملک الشعرای بهار، اشاره کرد. به دنبال انقلاب اکتبر و به منظور بر گشت سرمایه داری در کشور شوراها، 14 کشور امپریالیستی ازچند سو خاک شو روی را به اشغال خود در آوردند . پس از سه سال جنگ خونین بین انقلاب و ضد انقلاب، اشغالگران امپریالیستی شکست خورده و مجبور به ترک خاک شوروی شدند. دولت جوان سوسیالیستی با تکیه به نیروی لایزال توده های کارگر و زحمتکشان شهر و ده، توانست هم کوشش های مذبوحانه ضد انقلاب مسلح داخلی رابا ناکامی و شکست روبرو سازد و هم تحاوزکاران خارجی را از خاک شوراها به راند. قبل ازوقوع انقلاب اکتوبر در روسیه که نقطه عطفی در تاریخ جهان محسوب می گردد، دولت های استعماری روس و انگلیس بر شئون اقتصادی و سیاسی ایران، تسلط کامل داشتند . پس ازاین انقلاب دوران ساز، انگلستان فرصت را غنیمت شمرده و کوشید جهت گسترش دامنه نفوذ خود در ایران وجلوگیری ازاشاعه اندیشه های کمونیستی دراین کشور ازلحاظ سوق الجیشی مهم، همچنان به منظورصیانت از مستعمره زرخیز خود هندوستان، قرار داد ننگین سال 1919 را توسط نوکر بومی خود وثوق الدوله برادر قوام السلطنه، بر مردم ایران تحمیل کند . شخص وثوق الدوله، نخست وزیر، نصرت الدوله وزیر خارجه و صارم الدوله وزیر دارائی کابینه وی در تن دادن به خیانت قبول قرار داد سال 1919، رشوه کلانی از انگلستان دریافت داشته بودند. اما توده های زحمتکش و نیروهای آزادیخواه در اطراف و اکناف کشوربا این قرارداد استعماری سرسختانه مخالفت ورزیده و با مبارزات پیگیرانه خود ، سبب شکست مقاصد استعماری انگلستان در ایران شدند. در نتیجه مخالفت شدید افکارعمومی، قرار داد اسارت بار 1919 که ایران را به مستعمره انگلیس مبدل می کرد، به کلی بی اثر ماند.

 +++++

 اما این وضع دیر ی نه پائید و دولت سلطه طلب انگلیس، برای رسیدن به مقاصد آزمندانه خود و بسط نفوذ استعماری در ایران، طرحی دیگراندیشید و نقشه ای دیگر کشید. کودتای سید ضیا و رضا خان میر پنج در سوم اسفند سال 1299 شمسی، چیزی جز توطئه جدید دولت بریتانیا برای جبران شکست سال 1919 و تسلط بلا منازع بر شئون اقتصادی و سیاسی ایران، نبود. برای جلوگیری ازانتشاراندیشه های سوسیالیستی در ایران، گسترش دامنه نفوذ سیاسی و اقتصادی دراین کشورو حفاظت از چاه های گران بهای نفت جنوب، انگلستان به دولتی مرکز گرا ، مقتدر و آزادیکش نیاز داشت. اسناد و مدارک غیر قابل انکار، دخالت مستقیم امپریالیسم انگلیس را در به قدرت رساندن رضا خان میر پنچ، افسر بریگاد قزاق ، به ثبوت می رساند. قدرت نمائی و دیکتاتوری رضا خان به مدت 20 سال، دوام داشت. در سال 1304 شمسی، سلطنت قاجارها با رای مجلس فرمایشی پنجم که اکثر نمایندگان آن توسط رضا خان دست چین شده بودند، منقرض گردیده و بدنبال آن، رضا خان میر پنج رئیس قشون و نخست وزیر، با رای مجلس موسسانی دست نشانده، مقام سلطنت را از آن خود، ساخت.

 +++++

دوران شانزده ساله سلطنت استبدادی رضا شاه، دوران زورگوئی و خود کامگی و تمرکزهرچه بیشتر قدرت سیاسی بود . در تمام این مدت، مجلس شورای ملی بازیچه دست شاه مستبد بود و نمایندگان دست نشانده مجلس، کاری جز اجرای فرامین و دستورات رضا شاه ، نداشتند. در فاصله بین سقوط سلطه محمد علی شاه و کودتای سوم اسفند سال 1299، متاثر از انقلاب مشروطه، جنبش ها و قیام های دموکراتیک ترقی خواهانه ای در اطراف و اکناف کشور به وقوع پیوست که قیام جنگل در گیلان، قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان و قیام کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان، مهم ترین آن ها بود. قیام دموکراتیک شیخ محمد خیابانی در فروردین ماه سال 1299 شروع و در 22 شهریور ماه همان سال، با کشته شدن رهبر با شهامت این قیام آزادیخواهانه که نماینده مجلس دوم و از مخالفین سرسخت قرارداد 1919 بود، خاتمه یافت. مسئول قتل شیخ محمد خیابانی ، مخبر السلطنه والی آذربایجان بود که در ظاهراز هواداران مشروطه و در باطن، ازدشمان کینه توز آزادی و دموکراسی بود. کلنل محمد تقی خان پسیان که در خراسان پرچم مبارزه آزادیخواهانه را بر افراشته و دست به قیام علیه دولت مرکزی فاسد زده بود، به دستور قوام السلطنه نخست وزیر وقت و تحریکات و کینه ورزی وی ، در دهم مهر ماه سال 1300، در جنگ های خونین با ایلات، کشته شد. به دنبال کودتای امپریالیستی سوم اسفند ، یکی از اقدامات نخستین رضا خان سردار سپه، سرکوب جنبش ضد استعماری جنگل بود. دربخش پایانی جنبش مسلحانه جنگل که در سال 1915 میلادی تحت رهبری میرزا کوچک خان از مشروطه خواهان بنام در جنگل های شمال آغاز شده بود ، کمونیست ها و دیگر نیروهای چپ، فعالانه شرکت داشتند. اختلافات حل نشدنی بین طرفداران میرزا کوچک خان ونیرو های چپ و کمونیست و قتل انقلابی شهیر، حیدرخان عمو اوغلی در نتیجه توطئه ای که به احتمال زیاد میرزا کوچک خان در طرح ان شخصا دست داشت، توسط نزدیکان میرزا، یکی ازعلل اصلی شکست جنبش پر قدرتی بود که به مد ت 7 سال دوام داشت و علیه انگلیسی ها و روس های تزاری، می جنگید.

 +++++

در اواخرجنبش جنگل بود که حزب کمونیست ایران که در سال 1920 در نخستین کتکره حزب عدالت ایجاد شده بود، به کارپیگیر و موثری در بین کارگران ایران، همت گماشت. حزب عدالت را کارگران کمونیست ایرانی که در شهر های مختلف روسیه کار میکردند، در فردای انقلاب فوریه سال 1917 روس، تشکیل داده بودند.جعفر پیشه وری از رهبران برجسته حزب کمونیست ایران که بیشتر سرمقاله های نشریه حزبی " حقیقت" اثر قلم او بود، در همراهی با دیگر رهبران حزب کمونیست، در جهت سازمان دهی تشکیلات کارگری در تهران، کار بس ارزنده ای انجام داد. چنانکه در مدت کمی، چندین هزار تن از کارگران در رشته های مختلف تولیدی در اتحادیه های کارگری ، متشکل شدند." هنوز جنگل داشت تازه تمام میشد در صورتی که ما در تهران علاوه بر سازمان های جدی سیاسی، شورای مرکزی اتحادیه کارگران را که اعضایش آن روز به هفت هزار نفر بالغ میشد،موفق شده بودیم تشکیل بدهیم. شورای اتحادیه کارگران، ارگان خود را تاسیس کرد. این روزنامه "حقیقت" بود . به استثنای چند مقاله که رفقای آزادی خواه آن روز می نوشتند، تمام سرمقاله های روزنامه مزبور از قلم من تراوش کرده است . " ( سرگذشت من: نوشته جعفر پیشه وری) حکومت استبدادی رضا خانی که به دست بیگانگان به قدرت رسیده بود، به منظور پیشبرد مقاصد ارتجاعی خود، با تمام نیرو جلو آزادی بیان و عقیده را سد کرده و سرسختانه با فعالیت های کارگری و کمونیستی در کشور، مخالفت می ورزید. رژیم خودکامه در هراس از فعالیت کمونیست ها در بین کارگران ، پیشه وری و دیگر فعالین کارگری را دستگبر ساخته، روانه زندان ساخت. از روز دستگیری در سال 1309 تا بر افتادن دیکتاتوری مخوف رضا خانی، به مدت یازده سال پیشه وری در زندان های قرون وسطائی روزگار به سر برد و بدترین فشار ها و سختی ها را متحمل شد. در سال های خفقان انگیز دیکتاتوری رضا شاه، در شرایطی که استبداد و خودکامگی حد و مرزی نمی شناخت ، تعداد بیشماری از زندانیان سیاسی و مخالفین رژیم با آمپول هوا و طرق دیگر ، در زندان ها و سیاه چال ها به قتل رسیدند. ملک الشعرای بهار در کتاب معروف " تاریخ احزاب سیاسی" متذکر میشود که از ترس جانش مجبور گردیده قصیده ای چاپلوسانه در مدح رضا شاه به سراید. صادق هدایت در رمان معروف" حاجی آقا"، دیکتاتوری عنان گسیخته و پوشالی رضا شاه را با قلمی شیوا مورد تمسخر و انتقاد قرار داده است.یکی از قربانیان جنایات دوران سلطنت رضا شاه، شاعر انقلابی فرخی یزدی بود که در سال 1318 در زندان با آمپول هوای پزشگ احمدی، کشته شد . در غزلی که فرخی در آخرین سال حیاتش در زندان سروده ، این ابیات را میخوانیم : سوگواران را مجال بازدید و دید نیست بازگرد ای عید از زندان که ما را عید نیست بی گناهی گر به زندان مرد با حال تباه ظالم مظلوم کش هم تا ابد جاوید نیست وای بر شهری که در آن ، مزد مردان درست از حکومت ، غیر حبس و کشتن و تبعید نیست. در سال 1316، اعضای گروه مطالعاتی " پنجاه و سه نفر" که توسط دکتر ارانی، مارکسیست و دانشمند برجسته تشکیل یافته بود، دستگیر و زندانی شدند . عمال رژیم، دکتر ارانی را در زندان به مرض تیفوس دچار ساخته، از بین بردند . افراد گروه مطالعاتی "پنجاه و سه نفر" تا شهریور سال 1320،همچنان در زندان باقی ماندند.

 +++++

در شرایطی که ترور و اختناق کامل در کشورحاکم بود، قرار داد زیان بار نفتی سال1933 ( 1312 شمسی) که مدت آن شصت سال بود، با انگلستان منعقد گردید . طبق مواد این قرارداد استعماری، بخش اصلی ثروت حاصله از نفت، به جیب دولت انگلستان و سرمایه داران انگلیسی سرازیر میشد و تنها 17 در صد در آمد نفت به صاحبان اصلی آن، تعلق میگرفت. چون حساب و کتاب شرکت هم در دست انگلستان بود ، در واقع امر، سهم ایران از 17 در صد نیز کمتر بود! وقتی در سال 1312 شمسی قرارداد نفت بین ایران و انگلستان منعقد گردید، سیدحسن تقی زاده وزیر دارائی رضا شاه و امضا کننده قرارداد بود. سال ها پس ازبر افتادن دیکتاتوری رضا شاه، تقی زاده از خدمتگذاران به استعمار انگلیس در به سرانجام رساندن قرارداد سال 1933، در جلسه مجلس پانزدهم در 7 بهمن سال 1327، خود را در امضای قرار داد مزبور بی تقصیر قلمداد کرده و رضا شاه را عامل انعقاد قرارداد، معرفی کرد." بنده در این کار اصلا و ابدا هیچگونه دخالتی نداشته ام جز آن که امضای من پای آن ورقه است." ! دکتر مصدق در سال 1323، درمجلس چهاردهم طی نطق مفصلی، قرارداد سال 1933 را مورد انتقاد و حمله قرار داده و در باره رضا شاه عامل وعاقد قرارداد چنین گفت " شاید مادر روزگار دیگر نزاید کسی را که به بیگانه چنین خدمتی کند." این نطق تاریخی دکتر مصدق، نماینده اول تهران، آغاز مخالفت با قرارداد تحمیلی سال 1312 بود که در سال 1329 به ملی شدن صنایع نفت در سرتاسر کشور، منجر شد. در زمینه ثروت اندوزی رضا شاه اینجا تنها اکتفا به این میشود که در سوم اسفند سال 1299که کودتای انگلیسی وی را به قدرت رساند ، این افسر بریگاد قزاق آهی دربساط نداشت. اما در شهریور ماه سال 1320 زمانی که به دست متفقین ازایران رانده شد، صاحب صد ها پارچه ده در نقاط مختلف کشور بود. این دهات را مامورین دولتی با توسل به زور و قلچماغی از چنگ این یا آن مالک و زمینداربیرون آورده بودند. بدین ترتیب، شاه خودکامه با توسل به حربه زور و ارعاب، درعرض مدت کمی به بزرگ ترین مالک و زمیندار کشور،مبدل شده بود. بی جهت نیود که در دوران قدرتمداری رضا شاه، نظام فئودالی که بیش از هشتاد در صد اهالی کشور را محکوم به بردگی ساخته بود ، همچنان دست نخورده باقی ماند. هرگونه تغییردر نظام فئودالی، طبیعته به سود مالک اصلی زمین در کشور نه بود! پس از به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان در سال 1933، رضا شاه به نازی های حاکم در آلمان تمایل روز افزونی پیدا کرد. گرایش رضا شاه به دوستی و نزدیکی با آلمان و گسترش هرچه بیشتر روابط اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی با آن کشور، علت اصلی اشغال ایران از جانب ارتش های متفقین در بحبوحه جنگ جهانی دوم ( 1945-1939) و به پایان رسیدن خودکامگی شاه مستبد بود.

 +++++

 بر افتادن رضا شاه از قدرت در شهریور ماه سال 1320، سبب ایجاد آزادی ودموکراسی نسبی در کشور استبداد زده گردید. یک ماه از تبعید رضا شاه نگذشته بود که حزب توده به مثابه حزبی ضد فاشیستی، تشکیل یافت. به تدریج حزب ایران واحزاب و سازمان های سیاسی دیگر نیز شروع به فعالیت کردند. تشکیل احزاب سیاسی، انتشار جراید و نشریاتی که نقطه نظرهای مختلف سیاسی را منعکس می ساختند و تمایل روز افزون توده های مردم به شرکت در مسائل سیاسی، نتیجه منطقی رهائی کشور از چنگ ترور و استبداد مرگبار بود. دوران پس از تبعید رضا شاه، دوران رشد روز افزون مبارزات کارگران ، دهقانان، روشنفکران و دیگراقشاراجتماعی در نقاط مختلف کشور بود . در شرایط استعفای اجباری و تبعید رضا شاه و شکست آلمان هیتلری در جبهه های خونین جنگ، هیات حاکمه ارتجاعی و در راس آن شاه و دربار پهلوی دچار ضعف و ناتوانی گردیده و به آسانی قادر به جلوگیری از تشدید مبارزات کارگران و توده های زحمتکش نبودند.

 +++++

در سال های نخست سلطنت محمد رضا شاه، وقتی در شهریورماه سال 1320، متفقین ایران را به اشغال خود در آورده و رضا شاه متحد آلمان هیتلری را مجبور به ترک ایران کردند، قشون های شوروی نواحی شمالی کشور را اشغال کرده و درنواحی جنوبی و غربی کشور، عمدتا قوای انگلیسی مستقر شدند. با بودن قوای نظامی شوروی ها در شمال کشور ، مبارزات دموکراتیک وآزادیخواهانه توده های زحمتکش در این نواحی از رشد و صلابت بیشتری برخوردار بود. سال های پس از بر افتادن خودکامگی رضا شاه، دوران رشد مبارزات دهقانی علیه نظام ارباب رعیتی و مالکین زمین در نواحی شمالی و غربی کشورو دردرجه نخست در آذربایجان بود. در نتیجه ستمگری ارباب ها و مامورین دولتی، دهقانان آذربایجان در فقر و فلاکت بی حد و حصر، زندگی می کردند . بخش اصلی در آمد روستائیان زحمتکش بی پناه را، اربابان در نهایت بی رحمی به یغما می بردند. اگر هم فریاد دادخواهی توده های تهی دست دهقانی بلند می شد، ژاندارم ها ، پوست از تنشان می کندند. در موارد بی شماری، تضاد بین توده های ستمدیده دهقانان و ارباب ها منجر به درگیری های طبقاتی خونین دردهات آذربایجان میشد . دهقانان با حرکت های اعتراضی و عصیان های خود علیه اربابان مفت خوار، نشان میدادند که دیگر تاب تحمل ستمگری های مالکین زمین و ژاندارم ها و استثمار بی حد و حصر را ندارند. درچنین شرایط حساسی بود که جعفر پیشه وری که نشریه معتبر آژیر را پس از رهائی از زندان در تهران منتشر می ساخت، کار انتشار روزنامه را به یاران خود سپرده، برای سازمان دهی مبارزات توده های زحمتکش آذربایجان، به تبریزآمد . در نتیجه فعالیت شبانه روزی وی و برخی دیگرازآزادیخواهان این شهر تاریخی که شاهد مبارزات پرشکوه ستارخان ها و حیدر عمو اوغلی ها در دوران مشروطیت بود، فرقه دموکرات آذربایجان در12 شهریورماه سال 1324 ایجاد گردید. تشکیل فرقه دموکرات با استقبال پرشور اهالی به پا خاسته آذربایجان روبرو شد. فرقه در سازمان دادن مبارزات دهقانان آذربایجان نهایت کوشش را مبذول داشته و در این راه از هیچ کوششی، فروگزاری نکرد. در نتیجه مساعی فرقه، دهقانان در سرتاسر آذربایجان مسلح شده و با اربا بها و نیروهای ژاندارمری به نبردهای مسلحانه پرداختند . دهقانان اسلحه در دست، دهات و شهرهای آذربایجان را یکی پس از دیگری به تصرف حود در آورده و در 21 آذر سال 1324، تبریز مرکز آذربایجان را متصرف شدند. ارتش در تبریز مجبور به تسلیم گردیده و سرکرده آن سرتیپ درخشانی، روانه تهران شد.

 +++++

فرقه دموکرات به مدت یک سال در آذربایجان بر سرکاربود . در این مدت کوتاه، تحولات زیادی در زندگی اقتصادی ،سیاسی و فرهنگی اهالی آذربایجان، به وجود آمد . در زمینه اقتصادی، تقسیم بلا عوض دهات متعلق به دولت و اربابان فراری در بین دهقانان، سبب شد که بیش از یک میلیون نفر ازاهالی روستا نشین ازچنگال خونباراربابها و ژاندارم ها رهائی پیدا کنند. باید در نظر داشت که در آن زمان، جمعیت کل کشور کمتر از15میلیون نفر بود. حکومت فرقه به مبارزه جدی با بیکاری پرداخته و با پشتکار، به راه اندازی کارخانه های تعطیلی وایجاد کارخانه های جدید، مبادرت ورزید .قانون 8 ساعت کار و بیمه کارگران، گام های متینی بود که در دوران حکومت فرقه، در رابطه با بهبود وضع کارگران، برداشته میشد. دردوران حکومت دموکراتیک فرقه، جای خالی ارتش و ژاندارمری منحل شده را نیروهای مسلح دهقانان و زحمتکشان شهر و ده ، پر کردند. تبریز که در آن زمان دومین شهر کشور محسوب میشد، تا زمان حکومت فرقه دموکرات، فاقد دانشگاه بود. با مساعی فرقه ، دانشگاه تبریز که شامل 3 دانشکده می شد، افتتاح گردید. در تبریز، ایستگاه رادیو ایجاد شده و رهبری فرقه در جهت آبادی تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان، اسفالت و سنگ ریزی خیابان ها، تاسیس مدارس و درمانگاه ها و مبدل کردن قبرستان های کهنه به پارک ها و دیگر موسسات عمومی، گامهای بس مثبت برداشت. در زمینه مساله آزادی زنان نیز در زمان حکومت فرقه دموکرات، اقدامات مهمی انجام یافت. برای نخستین بار در تاریخ ایران، زنان آذربایجان به دستور فرقه از حق رای و حقوق مساوی با مردان برخوردار گردیده و در تمام زمینه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، به کار و فعالیت پرداختند. به دستور فرقه دموکرات ، زبان ترکی آذری به جای زبان فارسی، زبان تدریس در مدارس تعیین گردید و کتاب های درسی به این زبان انتشار یافتند . در ادارات دولتی نیز، زبان ترکی، جای زبان فارسی را گرفت . با تشویق فرقه، شعرای آذربایجان به زبان ترکی آذری- زبان بومی اهالی آذربایجان - شعر سروده و نویسنگان نیز به همان زبان مادری، به قلم فرسائی پرداختند. اندکی پس از سرکار آمدن فرقه دموکرات در آذربایجان، در بخش هائی از کردستان نیز، فرقه دموکرات کردستان به رهبری زنده یاد قاضی محمد، قدرت سیاسی را در دست گرفت.

 +++++

 ایجاد حکومت های دموکراتیک در آذربایجان و کردستان، ترس و وحشت دولت مرکزی مرتجع به سرکردگی شاه و قدرت های امپریالیستی امریکا و انگلیس را که اربابان این رژیم وابسته بودند، سخت برانگیخت. بدستورهمین قدرتهای سلطه طلب، ارتش شاه به آذربایجان لشکرکشی کرده و با ارتکاب بدترین جنایات، جنبش دموکراتیک توده های زحمتکش این سرزمین را به وحشیانه ترین وجهی، سرکوب کرد. درعرص دو سه ماه پس ازبرافتادن حکومت فرقه، بیش از سی هزار تن از مردم آذربایجان به دست ارتش مهاجم مرکزی و دیگر عوامل جنایتکار وابسته به رژیم شاه و ارباب ها، کشتار شدند. رژیم آزادیکش شاه ، تمام اصلاحات و مساعی ترقی خواهانه حکومت فرقه را لغو کرده و بار دیگر مشتی عناصر دزد و شوونیست را بر شئون اجتماعی مردم ستمدیده آذربایجان، مسلط ساخت. دهات تقسیم شده بین دهقانان بازپس گرفته شده، بار دیگر ارباب های مفت خوار و ژاندارم ها بر جان و مال دهقانان، حاکم شدند. در مدارس و ادارات، زبان فارسی که زبانی بیگانه در آذربایجان محسوب می گردد، جای زبان ترکی را گرفته، طی کتابسوزانی های رسمی، کتاب هائی که به زبان ترکی در دوران حکومت فرقه انتشار یافته بود، طعمه حریق شدند. در آن روزهای سیاه در تاریخ آذربایجان، جنایات و انتقام جوئی های رژیم شاه و ارتش مهاجم، حد و مرزی نمی شناخت. در کردستان، رژیم شاه با اعدام قاضی محمد و یاران وی، از خلق کرد که جرات نشان داده و بر مقدرات خود حاکم شده بود، انتقام می گرفت.

 +++++

چندی از شکست جنبش خلق آذربایجان نگذشته بود که مبارزات توده های به پا خاسته در سرتاسر کشور در جهت ملی شدن صنایع نفت و کوتاه ساختن دست شرکت نفت ایران و انگلیس، آغاز گردید. طبق قرار داد تحمیلی سال 1933، تنها17 در صد از درآمد حاصله از فروش نفت، نصیب ایران میشد . چون حساب و کتاب کمپانی نفت در دست دولت انگلستان بود، درآمد ایران از نفت جنوب از 17 در صد هم ، کمتر بود . وقتی مبارزات توده های زحمتکش در جهت ملی ساختن صنایع نفت، عرصه را بر دولت بریتانیا تنگ ساخت، این دولت استعماری مذبوحانه کوشید با به کار گرفتن عمال سرسپرده خود در دربار و مجلس و مطرح ساختن لایحه الحاقی گس - گلشائیان و تجدید نظر در قرارداد سال 1933، از ملی شدن صنایع نفت در ایران جلوگیری به عمل آورد. اما این شعبده بازی های امپریالیسم انگلیس نتوانست در اراده آهنین توده های زحمتکش ایران که از تسلط استعمار گران و شرکت نفت، طی سال ها زیان ها و ناملایمات بیشماری تحمل کرده بودند ، خللی وارد سازد.لایحه الحاقی که در 26 تیر ماه سال 1328 به امضای گلشائیان وزیر دارائی دولت ساعد و نماینده شرکت نفت رسیده بود، به تصویب مجلسین شورا و سنا نرسید. به جای این لایحه مورد قبول استعمار انگلیس که مفهومی جز تثبیت قرارداد سال 1933 نداشت، قانون ملی شدن صنایع نفت در سرتاسر کشور که به تایید کمیسیون مخصوص نفت مجلس رسیده بود، تحت فشار عمومی در 24اسفند ماه سال 1329در مجلس شورا و در 29 همان ماه در مجلس سنا به تصویب رسید و رسمیت یافت. 18 تن از نمایندگان مجلس، عضو کمیسیون مخصوص نفت بودند که در اول تیر ماه سال 1329 برای رسیدگی به قرارداد الحاقی تشکیل یافته بود و دکتر مصدق ریاست آن را بر عهده داشت. متن پیشنهاد ارائه شده ازجانب کمیسیون نفت مجلس که در روز های آخر اسفند ماه 1329 به تصویب مجلسین شورا و سنا رسید، چنین بود:" به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تامین صلح جهانی،امضا کنندگان ذیل پیشنهاد می نمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود. یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت، قرار گیرد."

 +++++

 در هفتم اردیبهشت ماه سال 1330، مجلس شورا به نخست وزیری دکتر مصدق که نقش برجسته ای در مبارزه در جهت ملی شدن صنایع نفت بازی کرده بود، رای موافق داد. دکتر مصدق برنامه دولت خود را عمدتا اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت، قرار داد. دولت انگلیس که در طول سال ها سود سرشاری از بابت تصاحب نفت ایران عاید خود ساخته بود ، با تمام نیرو با امر ملی شدن صنایع نفت به مخالفت برخاسته و نوکران خود را در دربار و مجلس بر آن داشت که در جهت فراهم ساختن مقدمات بر انداختن دولت دکتر مصدق، دست به کار شوند. بهمین جهت نیز، نوکران استعمار پیر انگلیس از روز اول که مصدق به نخست وزیری انتخاب شد، بنای مخالفت با وی را گذاشتند. انگلستان از آن می ترسید که ملی شدن صنایع نفت در ایران علاوه بر این که منابع سرشار طلای سیاه را از چنگ این دولت غارتگر بیرون می آورد، سبب آن گردد که در دیگر کشور های تحت سلطه نیز توده های محروم و زحمتکش در دشمنی با قرارداد های تحمیلی امپریالیستی و جهت ایفای حقوق حقه خویش، دست به مبارزه و مقاومت به زنند. علیرغم تمام توطئه گری ها و تهدیدات دولت انگلستان و تشبثات عمال بومی آن، دولت مصدق در جهت اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت ، گام های متین برداشته و با خلع ید از شرکت نفت، ضربه محکمی بر پیکر استعمار بریتانیا، وارد ساخت. امپریالیسم انگلیس که خود را در مقابله با عزم راسخ مردم به پا خاسته ایران سخت عاجزو ناتوان می دید، بر آن شد که با امپریالیسم تازه نفس آمریکا قرار و مداری بسته و به منظور شکست وارد ساختن به مبارزات ضد استعماری توده های به پا خاسته در ایران، این قدرت سلطه گر را که برای فریب افکارعمومی و پیش برد مقاصد آزمندانه خود ، درلباس دوست در صحنه ظاهر شده بود، به یاری طلبد .امپریالیسم آمریکا نیز که از سال ها پیش برای چنگ افکندن بر چاه های نفت ایران دندان تیز کرده و در کمین نشسته بود، فرصت راغنیمت شمرده ،قرار و مداری با دولت انگلستان گذاشته، در اتحاد و همسوئی با این استعمار کار کشته، به منظور برانداختن حکومت ضد استعماری دکتر مصدق، وارد عمل شد. در اواخر تیرماه سال 1331، توطئه ننگینی به منظور بر انداختن دولت مصدق تدارک دیده شد . شاه برای حفظ سرکردگی خود درارتش، با نظر دکتر مصدق دال بر تعیین وزیر جنگ مخالفت ورزیده ، این امر را از وظایف مقام سلطنت شمرد. دکترمصدق زیر بار زورگوئی شاه نرفته و به عنوان اعتراض، از نخست وزیری استعفا داد. به دنبال استعفای دکترمصدق، قوام السلطنه با صوابدید هندرسن، سفیر کبیر امریکا در ایران، در روز 26 تیر از جانب شاه به مقام نخست وزیری، تعیین گردیده ، طی اعلامیه آمرانه ای از مردم خواست که ازفرامین دولت وی اطاعت کرده و بدانند که اوضاع دگر گردیده و کشتی بان را سیاستی دیگر آمده است! مردم کوچه و بازار که با جان و دل ازاقدامات دولت دکتر مصدق در مبارزه با شرکت نفت ایران و انگلیس و استعمارگران انگلیسی دفاع میکردند، با تمام نیرو علیه دولت مزدورقوام السلطنه و برگشت دکتر مصدق به مقام نخست وزیری، به مبارزه پرداختند . جنبش های گسترده اعتراضی علیه دولت پوشالی قوام و در حمایت ازدکتر مصدق در تهران و شهرستان ها، نشانه روشنی از عزم راسخ توده های به پا خاسته زحمتکش در ادامه مبارزه آزادیخواهانه و ضد استعماری بود. در روز سرنوشت ساز سی تیر، مبارزات توفان سای توده ها در تهران از جانب درباروارتش ارتجاعی به خون کشیده شد و چندین ده تن از شرکت کنندگان در تظاهرات اعتراضی، کشته شدند. با اینهمه ، مردم به پا خاسته دست از مبارزه بر نداشته و با پایداری در خور تحسین خود، توطئه ننگین استعمارگران و ایادی شوم آنها را نقش بر آب ساختند. مقاومت و تسلیم ناپذیری توده های به پا خاسته، ارتجاع هار را به شکست و تسلیم وادار ساخته و قوام ازخود راضی را مجبور به استعفا کرد. *در* حالی که توطئه استعمارگران و دربار پهلوی با فداکاری و از جان گذشتگی توده های میلبونی با شکست خفت بار مواجه شده بود، در خیابان ها و کوچه های تهران و دیگر شهرها همه جا این شعار رزمنده طنین انداز گردید: به زیر آسمان آبنوسی به لندن یاس، در ایران عروسی ! شاه درمانده که با شرکت خائنانه در توطئه نخست وزیری قوام، خشم توده ها را متوجه خود ساخته بود، به ناچار به نخست وزیری مجدد دکتر مصدق، تن در داد.

 +++++

پس از پیروزی قیام خونین سی تیر و سر کار آمدن مجدد دکتر مصدق، امپریالیست های انگلیسی و آمریکائی و نوکران بومی آنها که در حادثه آفرینی سی تیر تیرشان به سنگ خورده بود، دست از توطئه گری بر نداشته و به دست عوامل جیره خوار خود، در جهت بر انداختن دولت دکتر مصدق، نقشه دیگری کشیدند. این بار به دستورشاه، ایادی استعمارو چاقوکشان و مزدوران درباری در صدد کشتن دکتر مصدق برآمدند. مطابق طرح جنایتکارانه ای که چیده شده بود، شاه ناگهان تصمیم به مسافرت به خارج از کشور گرفت. دکتر مصدق به منظور خدا حافظی با شاه، روانه دربار شد. اوباش و چاقوکشان " شاه دوست" به بهانه جلوگیری از مسافرت کذائی شاه، در جلو درب ورودی کاخ دربار اجتماع کردند..دشمنان آزادی و سعادت توده ها شعار هائی در ستایش از شاه و علیه دکتر مصدق سر داده و منتظر برگشت وی از دربار بودند تا قصد شوم خود را عملی سازند. دکتر مصدق به نحوی از انحا از قصد دربار و توطئه های عمال استعمار باخبر گردیده، از در عقبی کاخ بیرون رفت و از خطر مرگ حتمی توسط اوباش درباری از قبیل شعبان بی مخ، جان سالم بدر برد.

 +++++

توطئه گری های امپریالیست های آمریکا و انگلیس به منظور بر انداختن دولت دکتر مصدق پس از وقایع 9 اسفند سال 1331 نیز همچنان ادامه داشت. امپریالیسم آمریکا در چند هفته پیش از کودتای 28 مرداد، برفعالیت های توطئه گرانه خود سرعت داده و مشغول تدارک زمینه مناسب به منظورسرنگون ساختن دولت دکترمصدق شد. در این توطئه امپریالیستی، سازمان سیا و سازمان های جاسوسی انگلستان متحدا عمل کرده و همکاری و همرائی نزدیک داشتند. کودتای ننگین 28 مرداد، به دنبال کودتای ناکام 5 2 مرداد که سبب فرار شاه از کشور گردید، درحقیقت امر اقدام جنایتکارانه امپریالیست های آمریکا و انگلیس جهت خنثی ساختن تلاش های توده های زحمتکش ایران در جهت رهائی از چنگ استعمارگران و حاکم شدن بر مقدرات خود بود. شاه و خواهرش اشرف، به مثابه نوکران استعمار و در همراهی با آن ها، آیت اله کاشانی و دیگر آیت اله های جیره خوار، همچنان الوات و چاقو کشان تهران در پیشبرد کودتای امپریالیستی علیه دولت دکتر مصدق، فعالیت همه جانبه داشتند.

 +++++

 به دنبال کودتای 28 مرداد و بر افتادن دولت ترقی خواه دکترمصدق، شاه فراری به ایران برگشته و توسط قدرتهای امپریالیستی و دلارهای آمریکائی که نصیب الواط تهران شده بود، دوباره بر تخت لرزان سلطنت، نشست. با بر افتادن دولت دکتر مصدق و برگشت شاه، آزادی های نسبی دموکراتیک جای خود را به استبداد و خودکامگی داد ودیو مهیب خود سری بر سرتاسر کشور، سایه افکند. در همان آغاز تسلط حکومت کودتائی، انبوه عظیمی از مخالفین دستگیر گردیده، زندان ها و سیاه چال ها مملو ازمبارزین و آزادیخواهانی شد که فریاد اعتراض خود را علیه رژیم کودتا و تسلط بیگانگان بر شئون کشور ، بلند کرده بودند. دکترمصدق که با مبارزات و ایستادگی هایش کینه قدرت های سلطه گرو ایادی شوم داخلی آن ها را متوجه خود ساخته بود، در بیدادگاه های رژیم کودتا محاکمه و به سه سال زندان و حبس خانگی دائمی محکوم گردید. دکتر حسین فاطمی، وزیر خارجه دولت مصدق که در مقابله با اعمال خیانت کارانه شاه و دربار پهلوی مقاومت وسرسختی نشان داده بود ، در حال بیماری اعدام شد. کریم پور شیرازی مدیرروزنامه افشاگر "شورش" را به خاطر مقالات آتشینی که علیه درباریان و دیگر مرتجعین می نوشت، کینه توزانه کشتند و برای حفظ سلطه ننگین رژیم کودتائی، دسته دسته افسران آزادیخواه را به جوخه های اعدام سپردند. سرنگون شد حکومت ملی چون به دست اراذل و اوباش حکم فرمای ملک ایران شد فرقه دزد و خائن و کلاش ++++ روز روشن به شب مبدل شد حال آزادگان پریشان گشت آن که را عشق توده در سر بود منزلش گوشه های زندان گشت ( شعراز نویسنده مقاله)

 +++++

رژیمی که پس از کودتای 28 مرداد زمام قدرت را در دست گرفت ، رژیمی عمیقا ضد مردمی و آزادی کش بود. در فاصله بین کودتای 28 مرداد سال 1332 و 22 بهمن سال 1357، به مدت 25 سال، کوچک ترین نشانی از آزادی و دموکراسی در ایران اسیر در چنگ ارتجاع، وجود نداشت. در تمام این مدت، سانسور کشنده ای درعالم مطبوعات حاکم بود و از احزاب و سازمان های سیاسی آزاد و اتحادیه های کارگری مستقل، خبری نبود. نمایندگان مجلسین همه دست نشاندگان رژیم شاه بودند و وزرای چاپلوس دست چین شده، جز اجرای منویات ملوکانه، کاردیگری انجام نمی دادند . در اواخر حکومت شاه، جای دو حزب دولتی فرمایشی را، حزب آریا مهری "رستاخیز" گرفت. مبارزه علیه رژیم کودتا ازهمان روز های آغازین به قدرت رسیدن این رژیم سرسپرده ، شروع شد. دانشجویان مبارزدانشگاه ها از نحستین کسان بودند که سر تسلسیم به رژیم کودتا فرود نیاورده و پرچم مبارزه و مقاومت را بر افراشته نگه داشتند..از چند روز پیش از واقعه خونین 16 آذر سال 1332، در دانشکده فنی ، موجی از اعتراضات ضد رژیمی سرتاسر محوطه دانشگاه تهران را فرا گرفته بود.دانشجویان با شرکت درتظاهرات افشاگرانه، خشم و ناخشنودی خود را از سفر قریب الوقوع نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا به ایران و بر قراری مجدد روابط سیاسی با انگلستان، آشکار می ساختند. در روز 16 آذر سال 1332، در نتیجه هجوم سربازان و گارد ویژه رژیم کودتا به دانشکده فنی ، سه تن از دانشجویان به نام های شریعت رضوی، بزرگ نیا و قندچی کشته شدند. در اعتراض به این جنایت و وحشی گری، دانشجویان دانشگاه تهران و دیگر شهر ها دست به اعتصاب زدند. در طول سال ها، دانشجویان همواره خاطره 16 آذر سال 1332 را گرامی داشته اند. *د*ر فاصله بین کودتای 28 مرداد وسرنگونی رژیم شاه به دست توده های زحمتکش، بارها کماندوها به دانشگاه ها حمله برده و در نهایت سبعیت و درنده خوئی با دانشجویان رفتار کردند.

 +++++

در طول سال ها، در زندان ها و سیاه چال های رژیم، مبارزین و مخالفین رژیم، در معرض وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی از جانب عمال پلید "ساواک"، قرار داشتند.رژیم شاه در طول 25 سال حکومت مطلقه، همواره فریاد آزادی خواهی را با حبس و شکنجه و اعدام، پاسخ میداد. درعین حال، در تمام این مدت با وجود تروروخفقان موجود، کارگران، توده های محروم و زحمتکش، روشنفکران انقلابی و دانشجویان دانشگاه ها هرگز دست از مبارزه در جهت رهائی از چنگال ارتجاع حاکم بر نداشته و ساکت نه نشستند. وابستگی رژیم شاه به قدرت های امپریالیستی و در درجه نخست به امپریالیسم آمریکا سبب میگردید که دول استعماری از طریق به تاراج بردن منابع طبیعی کشور ، صدور سرمایه و معاملات نابرابر، همه ساله سود سرشاری عاید خود سازند. سال به سال، رژیم شاه بخش قابل ملاحظه ای از در امد نفت را در ازای خرید اسلحه های آخرین ساخت از آمریکا و دیگر امپریالیست ها، بر باد می داد . در حالی که فاصله طبقاتی در کشور هر روز عمیق تر می گردید و سرمایه داران کلان داخلی و خارجی و اعضای خاندان پهلوی در غارت هستی توده های زحمتکش بر یکدیگر سبقت می جستند ، کارگران و توده های زحمتکش شهر و ده در نهایت فقر و فلاکت زندگی می کردند . در سال های آخر حکومت شاه، کشتار بیرحمانه کارگران چیت جهان که در اعتراض به وضغ ناهنجار زندگی، دست به اعتصاب و راه پیمائی زده بودند، سبب طغیان خشم توده ها علیه رژیمی شد که در خدمت به قدرت های امپریالیستی و حمایت از منافع صاحبان ثروت و دارائی، خون زحمتکشان را بی محابا به زمین می ریخت. نمونه برجسته ای از طغیان خشم عمومی علیه رژیم دست نشانده شاه، مبارزه مسلحانه جوانان پرشور انقلابی بود که بیزار از سست عنصری و سکوت سازمان های سیاسی موجود، به قصد سرنگون ساختن سلطه رژیم ارتجاعی، دست به اسلحه برده، جان بر کف، تلاش و جانفشانی می کردند. تاریخ معاصر ایران همواره پایداری و مقاومت بی نظیر مبارزین و انقلابیونی را که به منظور سرنگون ساختن سلطه استبدادی رژیم شاه ، به قهر انقلابی متوسل شده بودند، در سینه خود نگه خواهد داشت. در سال های آخر حکومت شاه، مبارزات کارگران و توده های زحمتکش علیه رژیم استبدادی ، سرعت بیشتری بخود گرفت. کارگران و اقشار و طبقات محروم و زحمتکش جامعه، طی ماه ها مبارزه و دادن قربانی های بیشمار، نهایت بیزاری خود را از رژیم چپاولگر شاه نشان داده و عزم راسخ خود را در جهت سرنگون ساختن سلطه این رژیم ضد مردمی، به نمایش گذاشتند. توده های میلیونی زحمتکش که طی سال ها از رژیم دست نشانده شاه چیزی جز فقر و استثمار و سرکوب ندیده بودند، بالاخره با مبارزات و پایداری خود، در 22 بهمن سال 1357، طومار عمر این رژیم ضد مردمی را برای همیشه درهم پیچیدند .

 +++++

 اما توده های زحمتکش که در مبارزه علیه رژیم شاه نهایت فداکاری و از جان گدشتگی را نشان داده بودند، در فردای سرنگونی این رژیم خودکامه از آنهمه تلاش و مبارزه، بهره ای جز سرکوب واستبداد نداشتند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که در شرایط فقدان الترناتیو انقلابی، جای رژیم سرنگون شده شاه را گرفت، از همان روز های نخست تصرف قدرت سیاسی، در زمینه های مختلف زندگی اجتماعی، سیاست های عمیقا ارتجاعی اتخاذ کرده و بیرحمانه به پایمال ساختن آزادیهای دموکراتیک پرداخت. انقلابی به خاک ایران شد خانه ظلم شاه، ویران شد چهره مردم از چنین اوضاع چند روزی چو غنچه، خندان شد ای دریغا که سلطه ملا حاصل آن تلاش و عصیان ، شد! ( شعراز نویسنده مقاله) اینک در حالی که این مقاله نوشته میشود ، بیش از 42 سال از عمر ننگین رژیم آزادیکش و تاریک اندیش جمهوری اسلامی می گذرد. در طول این مدت نسبته طولانی، کوچک ترین نشانه ای از آزادی و دموکراسی در ایران اسیر در چنگ یکی از مرتجع ترین رژیم های آزادی کش موجود در جهان، وجود نداشته است. رژیم خود کامه، در تمام این مدت با سرکوب عریان وحبس و شکنجه و اعدام به خواست های حقه توده های زحمتکش، پاسخ داده است .استثمار بیرحمانه کارگران و محروم ساختن آنها از حقوق سیاسی و صنفی،غارت بی پروای هستی توده های محروم و تهی دست، دزدی از اموال دولتی و فساد مالی، زندگی انگلی و اشرافی در کاخ های سر به فلک کشیده و اشتهای سیری ناپذیردر ثروت اندوزی، زن ستیزی و پایمال ساختن حقوق انسانی زنان، پر کردن زندان ها از انسان های ازاده و شریفی که جرات به خرج داده و با رژیم آزادیکش به مخالفت پرداخته اند ، شکنجه های جسمی و روحی در زندان ها و سیاه چال های قرون وسطائی ، اعدام های دسته جمعی مبارزین، کشتار چندین هزار تن از زندانیان سیاسی در سال67، قتل های زنجیره ای،قتل ده ها تن از مبارزین و مخالفین در خارج از کشور، آدم ربائی، سرکوب مبارزات خلق های تحت ستم، ستمگری در حق مذاهب غیرمذهب رسمی، ریختن میلیاردها دلار از حاصل کار و زحمت توده های زحمتکش و در آمد حاصله از نفت و گاز به جیب جنایت کارانی نظیر اسد و دار و دسته های ارتجاعی مذهبی در نقاط مختلف جهان، وابستگی روز افزون به قدرت های استعمارگروبستن قرارداد های اقتصادی و سیاسی اسارت باربا دول سلطه گر امپریالیستی، تنها بخشی از جنایات و اعمال ضد انسانی رژیم قرون وسطائی حاکم درایران را تشکیل میدهد. روزی که این رژیم خون آشام به دست توده های زحمت کش به زباله دان تاریخ افکنده شد،ابعاد گسترده جنایات و اعمال ضد بشری آدم کشان حاکم در ایران، هرچه بی پرده تر در معرض دید جهانیان، قرار خواهد گرفت.

 +++++

در این نوشته اجمالی در زمینه تاریخ معاصر، بارها مبارزات توده های زحمتکش ایران در مقابله با سلاطین مستبد پهلوی، یاد آوری شده است. در دوران سلطه گری رژیم جمهوری اسلامی نیز، مبارزات، جنبش های اعتراضی و قیام های خونین توده های تحت ستم ایران ، همواره دوام داشته است. در واقع امر، در طول 42 سالی که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بر ایران تسلط داشته، ما شاهد مبارزات خونین کارگران، توده های زحمتکش، زنان اسیر و در بند و ملت های تحت ستم علیه این رژِیم خودکامه، بوده ایم. نمونه بر جسته این پایداری و مبارزه توده های به پا خاسته و زحمتکش را می توان در مبارزات پرشکوه کارگران هفت تپه و فولاد سازی اهواز و دیگر کارخانه ها و قیام رزمجویانه توده های زحمتکش در سال 98، مشاهده کرد. در سرکوب این قیام پرشکوه، رژیم که موجودیت ننگینش را سخت در خطر می دید ، نهایت وحشی گری را نشان داده و خون بیش از هزار و پانصد تن از فرزندان دلیر خلق های ایران را به زمین ریخت . این سرکوبگریها و اعمال ننگین ضد بشری علیه جوانان مبارز به پا خاسته، این اعدام ها و آدم ربائی ها و این سرکوب بیرحمانه مبارزات کارگران، برآتش خشم توده ها دامن زده، روز انقلاب توده ای و سرنگونی حتمی سلطه رژیم جمهوری اسلامی را نزدیک تر می سازد. تردیدی وجود ندارد که در آینده ای که دور نیست، کارگران و زحمت کشان ایران و توده های میلیونی به پا خاسته در طول مبارزات قهر آمیز انقلابی، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را با تمام اعوان و انصارش سرنگون ساخته و پیکر منحوسش را در زیر تل های خاک ، دفن خواهند کرد. در پایان این نوشته در زمینه یک قرن مبارزه و مقاومت در ایران، ابیاتی از شعری را که چند سال پیش درافشای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ساخته ام ، برای حسن ختام می آورم. من این بند اسارت را که دین بر پای زن بسته است من این تحقیر و این آزار نسوان را نمی خواهم من این زنجیر استبداد را بر پای آزادی من این کین توزی و بیداد شیخان را نمی خواهم من این شیخ ستمگر را که خون خلق می ریزد من این کشتار و این سرکوب و زندان را نمی خواهم برای خاطر شعر و سرود و عشق و آزادی به قتل عاشقان، فتوی و فرمان را نمی خواهم برای دفع شر دشمنان توده زحمت رهی جز انقلاب و قهروعصیان را نمی خواهم پایان خردادماه سال 1400